

- بدون آزادی زنان، تصور یک جامعه‌ی آزاد ممکن نیست
- زنان کورد از مطالبه‌گری به تولید گفتمان رسیده‌اند
- تغییر رژیم، بدون تغییر مناسبات مردسالارانه، آزادی نمی‌آورد
- کُژار آینده خاورمیانه را در گرو آزادی زنان و گذار از استبداد و نابرابری می‌داند



بدون آزادی زنان  
نمی‌توان از جامعه‌ی آزاد  
سخن گفت

# آرشیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی دهم

مرداد ۱۴۰۵

AUGUST 2026



مرکز مطبوعات  
حزب حیات آزاد  
کوردستان



آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram:

[PJAKMEDIACENTER](#)

Gmail:

[PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM](mailto:PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM)



مصاحبه هفته‌نامه‌ی آترناتیو  
رزین کمانگر  
(مسئول کمیته‌ی دیپلماسی کزار)

## آزادی زنان، آغاز آزادی جامعه؛ از مقاومت فردی تا نیرویی برای تغییر

**رزین کمانگر:** ارزیابی وضعیت زنان در ایران مستلزم نگاهی چندبعدی است: هم به سیاستگذاری دولت و دیدگاه‌ها و عملکردهای مردسالارانه و مرکزگرایانه‌ی حاکمیت باید توجه کرد، هم به تحولات جنبش‌های اجتماعی اخیر. اما با توجه به سوال شما، سعی می‌کنم نقد ساختار جمهوری اسلامی را تحلیل کنم. به‌طور کلی، وضعیت کنونی زنان در ایران، پیامد هم‌پوشانی و تقویت

آترناتیو: با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر، وضعیت زنان در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ محدودیت‌های موجود تا چه اندازه ناشی از قوانین و سیاست‌های جمهوری اسلامی است و تا چه اندازه ریشه در ساختارهای تاریخی، فرهنگی و مردسالارانه جامعه دارد؟

تازگی ندارد، اما در دوره‌ی اخیر شدت گرفته است

**آلترناتیو: پس از جان باختن ژینا امینی و شکل‌گیری انقلاب «ژن ژیان آزادی»، چه تحول عمیقی در آگاهی، هویت و شیوه کنشگری زنان ایران رخ داده است؟ کدام تغییرات و دستاوردهای این انقلاب را می‌توان نقطه‌ای بی‌بازگشت دانست؟**

**زرزین کمانگر:** به سالگرد انقلاب «ژن ژیان آزادی» نزدیک می‌شویم؛ چهار سال از این انقلاب می‌گذرد، انقلابی که بر اراده و پیشاهنگی زنان استوار بوده است و -علی‌رغم نظر برخی جریان‌ها- من معتقدم همچنان ادامه دارد. از جمله دستاوردهای بی‌بازگشت این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد: تحول عمیق در آگاهی، هویت و کنشگری زنان؛ انتقال مسئله‌ی زنان از حاشیه به مرکز معادلات سیاسی و اجتماعی؛ برجسته‌شدن پیوند میان آزادی زنان و آزادی جامعه؛ همبستگی میان تفاوت‌های ملی-مذهبی؛ هشیاری و فعالیت گسترده‌ی نسل جوان؛ گسترش همکاری میان

متقابل دو لایه‌ی مجزا اما مرتبط است: حقوق و قوانین ایدئولوژیک حاکم، و بسترهای سنتی و مردسالارانه‌ی جامعه. طبیعتاً قوانین رسمی جمهوری اسلامی نیز در خلا شکل نگرفته‌اند و از همان ذهنیت

## قانون، مردسالاری را به قدرت تبدیل کرده است

**سرکوب زنان از ساختار حاکمیت تا مناسبات اجتماعی امتداد دارد**

حاکم تغذیه می‌شوند. در طول چند ماه گذشته، زنان زیادی به نام همین قانون محکوم به اعدام شدند؛ سرکوب در خانه و خیابان بیش از گذشته شد و بستری از زنان از سوی مردان خانواده‌شان مورد خشونت قرار گرفتند. پس می‌توان گفت قانون در بازتولید و تحکیم این ذهنیت نقش بسیاری داشته و به ابزاری برای اجرایی‌شدن سیاست‌های حاکمیت علیه جامعه بدل شده است. البته این موضوع

سازمان‌های گوناگون و همگرایی هرچه بیشتر آن‌ها؛ شکل‌گیری گفتمانی پرمحتوا از سوی زنان؛ و به‌لرزه درآمدن پایه‌های ایدئولوژیک حاکمیت. اکنون می‌توان تاریخ مبارزات زنان در ایران را به دو دوره‌ی پیش و پس از انقلاب «ژن ژیان آزادی» تقسیم کرد. زنان ایران اکنون می‌دانند چه می‌خواهند، و این مهم‌ترین دستاوردی است که می‌توان از آن نام برد

سازمان‌های گوناگون و همگرایی هرچه بیشتر آن‌ها؛ شکل‌گیری گفتمانی پرمحتوا از سوی زنان؛ و به‌لرزه درآمدن پایه‌های ایدئولوژیک حاکمیت. اکنون می‌توان تاریخ مبارزات زنان در ایران را به دو دوره‌ی پیش و پس از انقلاب «ژن ژیان آزادی» تقسیم کرد. زنان ایران اکنون می‌دانند چه می‌خواهند، و این مهم‌ترین دستاوردی است که می‌توان از آن نام برد

## «ژن ژیان آزادی»؛ از تجربه زنان کورد تا گفتمان یک انقلاب

فلسفه‌ای که مرزهای کوردستان را پشت سر گذاشت و زبان مشترک آزادی شد

**آلترناتیو: انقلاب «ژن ژیان آزادی» از کوردستان آغاز شد و به‌سرعت به بخش‌های مختلف ایران گسترش یافت. این تجربه چه چیزی درباره پیوند میان مسئله زنان، مسئله کورد و مطالبات آزادی‌خواهانه و دموکراتیک در سراسر ایران نشان داد؟**

واژه‌ای که فلسفه‌ی مبارزاتی زنان کورد را به همگان نشان داد - فلسفه‌ی مبارزه‌ی مستمر در راستای هدف نهایی، یعنی حیات آزاد، که گفتمان و ادبیات سیاسی نوینی را وارد مبارزات زنان در ایران و منطقه کرد. به همین دلیل، شعاری که از دل تجربه‌ی زنان کورد بیرون آمده بود، توانست بی‌درنگ برای زنان فارس،

**رزرین کمانگر:** چند روز پیش از جان‌باختن ژینا امینی، مردم مریوان در حمایت از شلیر رسولی به خیابان آمدند تا صدای زنان را در برابر ذهنیت مردسالار بلند کنند؛ این خود نشانه‌ای از هشیاری زنان و به‌ویژه مردم کوردستان بود. در کوردستان، سال‌ها فعالیت‌های

و مردسالارانه‌اند، اما تلاش برای تغییر مناسبات قدرت در سنت، عرف و روابط روزمره نیز اهمیت دارد. به‌طور خلاصه باید بگوییم گذار از الگوهای متمرکز و سرکوبگر به نظامی دموکراتیک، و مبارزه علیه فرهنگ زن‌ستیز در هر حوزه‌ای، باید هم‌زمان صورت گیرد. این تلاشی مستمر در برابر ذهنیتی است

آذری، بلوچ، عرب و مازنی نیز قابل فهم و از آن خود شود. از همین رو، کوردستان همواره هدف حمله‌ی جمهوری اسلامی بوده است؛ در بسیاری موارد، جمهوری اسلامی با میل‌تاریزه کردن کوردستان، افزایش دستگیری‌ها و حمله به احزاب کوشیده است آن را سرکوب کند، اما موفق نخواهد شد، چرا که جامعه‌ی کوردستان هشیار و سازمان‌یافته است

## زن، نیروی تغییر است نه قربانی شرایط

آزادی زمانی معنا می‌یابد  
که زنان توان تغییر مناسبات  
اجتماعی را داشته باشند

که در نهادهای گوناگون در حال بازتولید است؛ پس هم باید در برابر این ذهنیت فعالیت کرد و هم ساختارها را تغییر داد

آلترناتیو: در گفتمان کژار، زن صرفاً «قربانی ستم» یا مطالبه‌گر حقوق نیست، بلکه نیرویی برای

آلترناتیو: آیا مسئله زنان در ایران را می‌توان صرفاً از طریق اصلاح قوانین و دستیابی به برابری حقوقی حل کرد، یا آزادی واقعی زنان مستلزم تغییر عمیق‌تری در ساختار قدرت، فرهنگ، خانواده و مناسبات اجتماعی است؟

رزین کمانگر: اگرچه تغییر قوانین گامی ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی است، اما آزادی واقعی زنان مستلزم تحولی ساختاری و چندبعدی در عرصه‌ی مناسبات قدرت، فرهنگ، نهاد خانواده و مناسبات اقتصادی-اجتماعی است. می‌دانیم که قانون بازتاب ساختار قدرت است: قوانین موجود در ایران نتیجه‌ی الگویی مذهبی-ایدئولوژیک

تغییر و بازسازی جامعه محسوب می‌شود. این گذار از «زن مطالبه‌گر» به «زن سازنده نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» در عمل چگونه تحقق پیدا می‌کند؟

**رزین کمانگر:** اساس فعالیت‌های ما در راستای بازتعریف وضعیت و حقوق زنان و حضور فعال آن‌ها در حوزه‌هایی بوده که از آن منع شده‌اند. تأکید بر آموزش و سازمان‌دهی نیز در همین راستا بوده است. شیوه‌های سازمان‌دهی نیز بر مبنای شوراهای خودمدیریتی بر پایه‌ی ریاست مشترک (مشارکت برابر زن و مرد در تمامی سطوح تصمیم‌گیری) -ایجاد کوپراتیو (اقتصاد تعاونی و بومی)، سیستم دفاع مشروع، و بازسازی انقلابی تمام مناسبات اجتماعی بر پایه‌ی «زن آزاد» صورت گرفته تا نگاه به زنان تغییر یابد؛ یعنی زنان تنها قربانی، مخاطب یا متأثر از شرایط نباشند، بلکه برعکس، از چنان نیرو و توانی برخوردار شوند که بتوانند تأثیرگذار باشند و شرایط را تغییر دهند

**آلترناتیو: استقلال اقتصادی چه جایگاهی در آزادی زنان دارد؟ آیا بدون استقلال اقتصادی می‌توان**

از آزادی واقعی سخن گفت و کژار برای کاهش وابستگی اقتصادی زنان و ایجاد زمینه‌های خودکفایی و خودمدیریتی آنان چه راهکارهایی دارد؟

**رزین کمانگر:** البته استقلال اقتصادی تنها شرط تعریف آزادی زنان نیست، اما ضروری است. در بسیاری موارد، مسائل و مشکلات اقتصادی نه تنها معیشت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به ابزاری برای اعمال خشونت روحی-روانی علیه زنان بدل می‌شود. در بسیاری موارد نیز، با حل مسئله‌ی اقتصادی، ریشه‌های سلطه در خانواده و روابط خشونت‌آمیز علیه زنان کاهش می‌یابد. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که مسئله‌ی اقتصادی به ابزاری سیاسی میان دولت‌ها بدل شده و به عنوان سلاحی در جنگ علیه یکدیگر به کار می‌رود؛ عواقب این نوع جنگ نیز بر جامعه، به ویژه بر زنان، تأثیر می‌گذارد. از همین رو، ما در کژار راهکارهایی در این زمینه اندیشیده‌ایم که عبارت‌اند از: تأسیس تعاونی‌های مستقل زنان (کوپراتیو)، تقویت و ساخت کمون‌های اقتصادی محلی، و آموزش زنان در این زمینه. ما این نوع اقتصاد

را «اقتصاد کمونال» می‌نامیم

**آلترناتیو: اگر مردسالاری مسئله‌ای مربوط به کل جامعه است و نه فقط زنان، مردان چه مسئولیتی در تغییر این مناسبات دارند؟ از نگاه کژار، جایگاه و نقش مردان در یک جامعه آزاد و برابر چگونه تعریف می‌شود؟**

**مرد آزاد، سلطه بر زن را نمی‌پذیرد**

**رهایی مرد نیز در گرو گسست از مردسالاری است**

**رزدین کمانگر:** از دیدگاه ما (کژار)، مردسالاری سیستمی سلطه‌گر است که بیشترین سرکوب را بر زنان اعمال کرده است؛ پس مردسالاری امتیازی نیست که مردان بتوانند از آن بهره ببرند. سؤال نخست این است که نظام مردسالار - که خود شکلی از اسارت ذهنی است - چگونه می‌تواند یک امتیاز محسوب شود؟ و چرا مردانی که حقوق زنان را به رسمیت می‌شناسند، همواره

هدف هجوم این نظام قرار می‌گیرند؟ در نظام مدنظر ما، مردان برای فاصله گرفتن از این نظام آموزش می‌بینند؛ آموزشی در راستای بازآفرینی هویتی نو برای مردان. از همین‌رو، مرد آزاد کسی است که هویت و اقتدار خود را نه در سلطه بر زن، اعمال قدرت یا انباشت ثروت، بلکه در میزان زیست اخلاقی، آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی خود تعریف می‌کند. ما بارها تأکید کرده‌ایم که جامعه زمانی آزاد خواهد شد که زنان آن جامعه به آزادی دست یافته باشند. همان‌گونه که آزادی زنان مسئله‌ای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، مردسالاری نیز نقشی تاریخی-اجتماعی است؛ پس آزادی مرد نیز، در این چارچوب، جدا از این فرایند نیست بلکه تنها در نتیجه‌ی گسست از مردسالاری ممکن است. مرد نیز قربانی همان نظام سلطه است (هرچند در موضع مسلط)، و رهایی او نیز مستلزم همین گسست است، نه معافیت از آن

**آلترناتیو: زنان کورد در ایران هم‌زمان با تبعیض جنسیتی و مسائل مرتبط با هویت، زبان و موقعیت سیاسی کوردستان مواجه‌اند. این وضعیت چندلایه**

**چه تأثیری بر مبارزه و سازمان‌یابی زنان کورد گذاشته است؟**

**رزرین کمانگر:** زنان کورد در ایران، تقاطع چند شکل از سرکوب را تجربه می‌کنند؛ آن‌ها هم‌زمان با ستم ساختاری جنسیتی، تبعیض ملی و ناامنی اقتصادی مواجه‌اند. زیستن در چنین محیط چندبُعدی از سرکوب موجب شده آگاهی سیاسی زنان کورد بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر از الگوهای تک‌مطلبه‌ای شکل بگیرد. سازمان‌یابی زنان کورد معمولاً در پیوند تنگاتنگ با نهادهای مدنی، زیست‌محیطی، نهادهای دفاع از زندانیان سیاسی و احزاب سیاسی منطقه شکل گرفته است. پیوند مطالبات جنسیتی با مطالبات ملی و دموکراتیک موجب شد زنان کورد در تحولات اخیر - به‌ویژه در انقلاب «ژن ژیان آزادی» - نقش تولیدکننده‌ی گفتمان را ایفا کنند. آنان توانستند تجربه‌ی سال‌ها سازمان‌دهی و فعالیت خود را به سراسر ایران منتقل کنند و الگویی فراملی برای مبارزه‌ی آزادی‌بخش ارائه دهند

**آلترناتیو: با توجه به اینکه مقاومت‌ها و کنش‌های فردی**

**زنان را می‌توان نقطه‌ی آغاز و نشانه‌ای از نارضایتی عمیق جامعه دانست، از نگاه کژار زنان چگونه می‌توانند از این کنش‌های فردی به سوی یک نیروی اجتماعی آگاه، سازمان‌یافته و پایدار حرکت کنند؟ سازمان‌یابی زنان بر چه مبانی‌ای، از جمله ارتقای آگاهی نسبت به مسئله‌ی آزادی زنان، ایجاد شبکه‌ها و هسته‌های افقی و سازمان‌یابی شورایی و مردم‌محور، استوار است و این الگو چه تفاوتی با شیوه‌های متعارف فعالیت سیاسی و جنبش‌های زنان دارد؟**

**رزرین کمانگر:** در کوردستان و ایران، زنان بسیاری مشغول مبارزه و فعالیت‌اند. بی‌شک حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد. الگوهایی مانند مدیریت-ریاست مشترک در تمام سطوح تصمیم‌گیری موجب شده‌اند زنان دیگر در حاشیه و مردان در مرکز نمانند. همچنین نهاد مستقل تصمیم‌گیری در ساختار رسمی موجب شده زنان در عرصه‌هایی که پیش‌تر

نمایشی باشد

## آلترناتیو: پس از «ژن ژیان آزادی»، همگرایی احزاب را بیش از هر زمان دیگری مشاهده کردیم؛ نظر شما در این باره چیست؟

**رزین کمانگر:** انقلاب «ژن ژیان آزادی» نشان داد پیشگامی و ابتکار عمل در دست جامعه‌ی مدنی، زنان و جوانان است؛ پس احزاب باید بیش از هر زمان دیگری پاسخگوی نیاز جامعه، به‌ویژه زنان و جوانان، باشند. همان‌طور که خود شما نیز در سؤالاتان اشاره کردید، ایجاد همگرایی و همبستگی سراسری و ارائه‌ی طرح‌های ملموس برای آینده، از جمله تغییرات پس از این انقلاب بوده است. اگرچه هر یک از احزاب استراتژی و شیوه‌ی مبارزاتی خاص خود را دارند، اما برجسته کردن نقاط مشترک و انجام فعالیت‌های مشترک از ضرورت‌های این دوران بوده است. این همگرایی فقط مختص به احزاب نبود؛ سازمان‌های زنان در کوردستان نیز به این ضرورت پی برده‌اند. تأسیس پلاتفرم زنان شرق کوردستان-ژینا نیز در همین راستا و برای همگرایی هرچه بیشتر بوده است. با نگاهی به مفاد اساسنامه‌ی

به اصطلاح «مردانه» خوانده می‌شدند حضور یابند و حتی نقش تعیین‌کننده داشته باشند؛ این در حالی است که در ساختار سنتی، مدیریت عمدتاً در دست مردان بوده و حضور زنان در بسیاری عرصه‌ها کم‌رنگ است. مسئله‌ی مهم، تعادل و توازن میان گفتمان و شواهد ساختاری است که زنان تا حد زیادی برای آن مبارزه کرده و وضعیت کنونی را تغییر داده‌اند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت یک حزب یا جریان زمانی

## «ژن ژیان آزادی» احزاب را به همگرایی فراخواند

**زمان برجسته کردن نقاط  
مشترک و پاسخ‌گویی به  
مطالبات جامعه است**

می‌تواند موفق عمل کند که به مسئله‌ی آزادی زنان و پیشاهنگی آن‌ها اعتقاد کامل داشته باشد، زیرا حضور زنان در عرصه‌ی سیاست نمی‌تواند امری

## حاشیه رفتن مطالبات زنان ضروری است؟

**زرزین کمانگر:** تجربه‌ی تاریخی جنبش‌های اجتماعی در ایران و جهان نشان می‌دهد که خودسازمان‌یابی مستقل زنان و حضور درون‌حزبی، دو راهکار متضاد نیستند بلکه دو بازوی مکمل یک استراتژی جامع برای تحقق برابری طلبی‌اند. دیده‌ایم که در جریان تحولات سیاسی بزرگ، معمولاً مطالبات زنان زیر چتر «ارزش‌های دیگر»، حاشیه‌ای یا «مربوط به مرحله‌ی بعد» تلقی می‌شوند، و همین امر موجب به حاشیه‌راندن مطالبات زنان شده است. مسئله‌ی مهم دیگر، پیوند مسائل ملی-جنسیتی است؛ زنان آگاه، اراده‌مند و آزاد می‌توانند مبارزات ملی را نیز به نتیجه برسانند. در پایان این پاسخ، من نیز سؤالی از شما دارم: آیا تصور ملتی آزاد، بدون حل مسئله‌ی آزادی زنان، برای هر جریانی که خود را «مبارز» می‌خواند ممکن است؟

**آلترناتیو: زنان کورد، فارس، عرب، بلوچ، ترک، ترکمن و دیگر جوامع ایران تجربه‌ها، هویت‌ها و مطالبات کاملاً یکسانی**

این پلتفرم، می‌توان به اهمیت و تأکید آن بر فراحزبی‌بودن فعالیت زنان و نیز حضور فعال زنان در همه‌ی احزاب و جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی پی برد. البته نمی‌توان موانع را نادیده گرفت، اما تلاش برای تغییر اکنون بیش از هر زمان دیگری در جریان است

**آزادی زنان را  
نمی‌توان به «مرحله  
بعد» موکول کرد**

**سازمان‌یابی مستقل و حضور  
در احزاب، دو بازوی مکمل  
مبارزه زنان‌اند**

**آلترناتیو:** رابطه جنبش مستقل زنان با احزاب سیاسی باید چگونه تعریف شود؟ آیا زنان باید درون احزاب برای تغییر ساختارها مبارزه کنند، یا برخورداری از سازمان‌یابی مستقل برای جلوگیری از به

## ندارند. چگونه می‌توان بدون نادیده گرفتن این تفاوت‌ها، همبستگی واقعی و پایداری میان زنان ایران ایجاد کرد؟

**رژین کمانگر:** برای شکل‌گیری همبستگی پایداری میان زنان از ملل مختلف، اهمیت ویژه‌ای دارد که ستم تقاطعی و تبعیض‌های مضاعف به رسمیت شناخته شوند، فراملی‌بودن مسئله‌ی آزادی زنان پذیرفته شود، و اولویت‌ها با گوش‌دادن واقعی - نه صرفاً نمایندگی نمادین - بازتعریف گردند. همبستگی پایداری نیازمند آن است که مطالبات زنان حاشیه صرفاً در حد یک «ژست نمادین» باقی نماند، بلکه در رأس برنامه‌ی گروه‌های سراسری قرار گیرد. اگر مطالبات مربوط به ستم‌های ملی و اقتصادی حذف شوند، همبستگی به شعاری توخالی بدل خواهد شد و به سکوت درباره‌ی تفاوت‌ها می‌انجامد. از سوی دیگر، از دیدگاه ما، جمهوری اسلامی ساختاری است که بر پایه‌های ملی‌گرایی افراطی، مرکز‌گرایی سیاسی و جنسیت‌گرایی ساختاری بنا شده است. برآیند این ترکیب نابرابر، اعمال سرکوب و ستمی چندلایه بر زنان متعلق به ملیت‌های تحت ستم است؛ زنانی که

هم‌زمان به دلیل هویت جنسیتی و ملی خود نادیده گرفته می‌شوند. از این‌رو، ضمن مبارزه با مرکز‌گرایی و ملی‌گرایی افراطی رژیم حاکم، تأکید می‌کنیم که آزادی هیچ جامعه و ملتی بدون گذار از جنسیت‌گرایی ساختاری و تحقق کامل آزادی زنان میسر نخواهد شد

### تغییر رژیم، به تنهایی زنان را آزاد نمی‌کند

**بدون زنان آگاه و سازمان‌یافته، مردسالاری دوباره بازتولید می‌شود**

**آلترناتیو:** از نگاه کژار، زنان چگونه می‌توانند از مقاومت‌ها و کنش‌های فردی عبور کرده و از طریق سازمان‌یابی، خودمدیریتی و مشارکت مستقیم به یک نیروی اجتماعی سازمان‌یافته و پایداری تبدیل شوند؟ این الگو چه تفاوتی با شیوه‌های متعارف فعالیت سیاسی و جنبش‌های

## زنان دارد و کدام بخش‌های تجربه کژار می‌تواند برای زنان دیگر جوامع ایران و خاورمیانه در مسیر دستیابی به آزادی قابل استفاده باشد؟

**رژین کمانگر:** در تاریخ ایران، زنان کنشگر و فعال بسیاری بوده‌اند که به شیوه‌ی فردی فعالیت کرده‌اند و فعالیت‌های آن‌ها نیز ارزشمند و حائز اهمیت است. البته مقاومت‌های فردی نقطه‌ی آغازین و نمایانگر نارضایتی عمیق جامعه‌اند، اما نباید فراموش کرد که حملات نظام مردسالار به شیوه‌ای سیستماتیک صورت می‌گیرد و لازم است فعالیت زنان نیز سازمان‌یافته‌تر باشد. اما زمینه‌های این سازمان‌یافتگی چیست؟ کژار بر پایه‌ی پارادایم «جامعه‌ی دموکراتیک، اکولوژیک و مبتنی بر آزادی زنان» فعالیت می‌کند؛ از دیدگاه ما، این زمینه‌ها عبارت‌اند از: ۱. افزایش و ارتقای دانش نسبت به مسائل آزادی زنان، یعنی تعریف مسئله‌ی آزادی زنان به مثابه مسئله‌ای سیاسی؛ ۲. ایجاد شبکه‌ها و هسته‌های افقی در جامعه؛ ۳. سازمان‌یابی شورایی و مردم‌محور. ما براین باوریم که جامعه‌ای که زنان آن سازمان‌یافته، آگاه و آزاد نباشند، حتی

اگر رژیم سیاسی خود را تغییر دهد، باز هم مناسبات سرکوبگرانه و مردسالارانه را بازتولید خواهد کرد - همان‌طور که در بسیاری از انقلاب‌های گذشته رخ داده است

**آلترناتیو:** اگر زمینه شکل‌گیری یک نظم سیاسی جدید در ایران فراهم شود، از نگاه کژار چه سازوکارهایی باید از همان ابتدا تضمین شوند تا زنان نه صرفاً به عنوان «بخشی از جامعه»، بلکه به عنوان یکی از نیروهای اصلی تصمیم‌گیری و ساختن آینده ایران حضور داشته باشند؟

**رژین کمانگر:** از نگاه کژار، سازوکارهای کلیدی برای اینکه زنان نه صرفاً «بخشی از جامعه» بلکه «نیروی اصلی سازنده‌ی آینده» باشند عبارت‌اند از: ریاست مشترک الزامی در تمام نهادهای گذار؛ تشکلیابی مستقل و خودگردان زنان (مجالس و شوراهای ویژه‌ی زنان)؛ لغو کامل تمام قوانین تبعیض‌آمیز بر پایه‌ی جنسیت، ملت و مذهب؛ ساختار شورایی - غیرمتمرکز؛ و پیوند ارگانیک میان آزادی زنان و رهایی از سلطه‌ی ملی‌گرا و مرکز‌گرا. نباید

از سوی جامعه، به‌ویژه زنان، صورت گرفت و دستاوردهای قابل توجهی نیز به دست آمد. با این حال، این مطالبات هنوز به‌تمامی محقق نشده‌اند. ما تأکید می‌کنیم که تا تحقق کامل آزادی زنان، این انقلاب همچنان پویا و در جریان خواهد بود و متوقف نخواهد شد. سال‌ها مبارزه، از کوردستان تا دیگر

فراموش کرد که اگر ساختار پدرسالار، تمرکزگرا و دولت‌محور دست‌نخورده بماند، ستم بر زنان با چهره‌ای تازه بازتولید خواهد شد

**آلترناتیو: در نهایت، چشم‌انداز کژار برای آینده زنان ایران و خاورمیانه چیست؟ اگر آزادی زنان را بخشی از رهایی کل جامعه بدانیم، زنان امروز باید از کجا آغاز کنند و چه نوع نظام اجتماعی و سیاسی می‌تواند ضامن تداوم این آزادی باشد؟**

**زرین کمانگر:** چشم‌انداز جامعه‌ی زنان آزاد شرق کوردستان (کژار) برای آینده‌ی ایران و خاورمیانه بر پارادایم «قرن بیست‌ویکم، قرن انقلاب زنان» استوار است. در این دیدگاه، خاورمیانه تنها زمانی می‌تواند از بحران‌های عمیق فاشیسم، بنیادگرایی مذهبی، استبداد دولتی و نابرابری‌های ساختاری عبور کند و به صلح، ثبات و آزادی واقعی برسد که زن از سوژه‌ای سرکوب‌شده به پیشگام تحول اجتماعی بدل شود. مطالبات زنان در جریان انقلاب «ژن ژیان آزادی» به روشنی و صراحت فریاد زده شد؛ در این مسیر، تلاش‌های گسترده‌ای

## آزادی خاورمیانه از آزادی زنان می‌گذرد

**زن باید از سوژه‌ای سرکوب‌شده به پیشگام تحول اجتماعی بدل شود**

نقاط ایران، تجارب گران‌بهایی به ما بخشیده است؛ هر یک از زنان فعال، تجربه‌ای ارزشمند و منحصر به فرد دارد که مجموع آن‌ها می‌تواند به مرجعی معتبر و راهنمایی روشن برای آینده‌ی سیاسی و اجتماعی ایران بدل شود

ALTERNATIVE  
POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE

شهریور ۱۴۰۵

سال چهاردهم / دوره ی چهارم / شماره دهم

آلترنیو